

روزنامه

شماره ۴/۶

یکشنبه؛ ۱۱ مرداد ۱۴۰۵؛ ۲ آگوست ۲۰۲۶

چهره‌ی مه‌آلود سوسیالیسم در آمریکا / محمدرضا کریمی



ساختاری اقتصاد را پنهان می‌کند. مساله صرفا آن نیست که عده‌ای با مدرک علوم انسانی شغل دل‌خواهشان را پیدا نکرده‌اند؛ بلکه آن است که تولید ثروت و افزایش بهره‌وری، با امنیت اجتماعی اکثریت همراه نشده و بخش بزرگی از دست‌آوردهای اقتصادی در اختیار اقلیتی بسیار ثروتمند قرار گرفته است. مقاله این تمرکز ثروت را با تعبیری که سوسیالیست‌ها از «الیگارشی سرمایه‌داری» دارند، به سخره می‌گیرد؛ اما در پایان، خانواده‌ی حاکم آمریکا و نزدیکان آن را به ثروت‌اندوزی و استفاده‌ی شخصی از قدرت متهم می‌کند. این تناقض، که از یک سو فساد و انباشت ثروت در بالا را پذیرفته و در مقابل، هر طرحی برای تغییر مناسباتی که چنین وضعیتی را ممکن ساخته، افراطی خوانده، ساخت ایدئولوژیک متن را آشکار می‌سازد. عامل دیگر، بحران نظام دو حزبی است. مقاله ادعان می‌کند که جمهوری خواهان و دموکرات‌های جریان اصلی، هر دو با سقوط اعتماد عمومی روبه‌رو هستند. جمهوری خواهان زیر فشار ناراضیاتی از اقتصاد و جنگ با ایران قرار دارند. دموکرات‌ها نیز حزبی فرسوده، سال‌خورده و فاقد نامزد یا برنامه‌ای با جاذبه‌ی عمومی توصیف می‌شوند. از این رو، پیش‌روی سوسیالیست‌ها تنها نتیجه‌ی قدرت خود آنان نیست. از ناتوانی دو حزب مسلط در نمایندگی خواسته‌های اجتماعی نیز منتج می‌شود.

جنگ نیز در این روند جایگاهی اساسی دارد. متن می‌گوید بخش بزرگی از جامعه از نحوه‌ی اداره‌ی جنگ ایران ناراضی بوده و ترامپ برخلاف وعده‌های پیشین خود، آمریکا را وارد جنگی بی‌پایان کرده است. با این حال، نویسنده به دلیل نشستن بر کرسی توجیه اختلالات سرمایه‌داری، توان دیدن پیوند میان هزینه‌های نظامی، بحران معیشتی و کاهش خدمات اجتماعی را ندارد. بنابراین، بودجه‌ی عظیم نظامی و شبکه‌ی پایگاه‌های خارجی، صرفا به عنوان یکی از خواسته‌های سوسیالیست‌ها برای کاهش هزینه معرفی می‌کند، نه به منزله‌ی بخشی از سازوکاری که منابع عمومی را از نیازهای اجتماعی به جنگ و تسلیحات منتقل می‌کند.

برخورد مقاله با جنگ غزه نیز جهت‌گیری ایدئولوژیک آن را آشکار می‌کند. نویسنده می‌پذیرد که واکنش اسرائیل در غزه نسل تازه‌ای از جوانان آمریکایی را رادیکال کرده است؛ اما بلافاصله مخالفت با اسرائیل را در آستانه‌ی یهودستیزی قرار می‌دهد. به این ترتیب، محکومیت کشتار غیرنظامیان و اعتراض به سیاست خارجی آمریکا از محتوای سیاسی خود تهی و به مساله‌ای اخلاقی درباره‌ی نفرت قومی تبدیل می‌کند. این جابه‌جایی، راهی برای گریز از پرسش اصلی است که چرا حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل، برای نسل جوانی که تصاویر و پی‌آمدهای جنگ را می‌بیند، دیگر قابل دفاع نیست؟ مقاله به جای پاسخ، مشروعیت خود اعتراض را زیر سوال می‌برد.

با وجود این، نباید نتیجه گرفت که سوسیالیسم در آمریکا به نیروی مسلط تبدیل شده یا برنامه‌ی سوسیالیست‌های دموکرات از انسجام و پشتیبانی عمومی کافی برخوردار است و حتا این که سوسیالیست‌های مورد ادعا، برنامه‌هایی برای رهایی نیروی کار از بند استثمار دارند. خود مقاله نشان می‌دهد که این جریان هنوز با محدودیت‌های جدی روبه‌روست و برخی مواضعش منجر به دور شدن بخش‌هایی از رای‌دهندگان از آن خواهد شد. با این وجود، تقلیل سوسیالیسم خواهی پر از ابهام کنونی به مجموعه‌ای از عقاید مضحک نیز واقعیت را توضیح نمی‌دهد. کُنه ماجرا این است که چهره‌ی مه‌آلود سوسیالیسم در زمانی دوباره وارد زبان سیاسی آمریکا شده که نظم موجود دیگر مانند پیش، قادر به تحمیل توده‌ها نبوده و افزون بر آن، ضمن کاهش تحرکات اجتماعی، مسکن و اشتغال بانبات از دست‌رس خارج گردیده، جنگ‌های خارجی ادامه یافته و ثروت و قدرت در دست اقلیتی کوچک متمرکزتر شده است. وضعیتی که در صورت برکنشاندن شدن از حالت کنونی و استقرار بر مطالبات طبقاتی، روزه‌هایی از رهایی را پیش روی افراد باز خواهد کرد.

ستون اندرو نیل در صفحه‌ی ۲۱ روزنامه‌ی دیلی میل،^۱ ظاهرا برای هشدار درباره‌ی پیش‌روی سوسیالیسم در آمریکا نوشته شده است. نویسنده در جریان حمله به «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» ناگزیر مجموعه‌ای از واقعیت‌ها را بر زبان آورده که نشان می‌دهند گسترش گرایش‌های سوسیالیستی، برآمده از تبلیغات چند فعال رادیکال نبوده و محصول بحران ژرف ساختار سیاسی-اقتصادی آمریکاست. مقاله از همان ابتدا با زبان تحقیرآمیز به سوسیالیسم نزدیک شده است. برنامه‌هایی مانند مالکیت عمومی صنایع اساسی، مسکن همگانی، کنترل اجاره، کاهش ساعات کار، محدودسازی قدرت ارتش و تغییر ساختار نهادهای سیاسی، نشانه‌های جنون سیاسی معرفی شده و حتا به عنوان پاسخ‌هایی درون سرمایه‌داری برای کاهش تلاطمات نیز شایسته‌ی بحث دانسته نمی‌شوند. این برخورد با خط فکری عمومی روزنامه‌ی دیلی میل سازگار است. خطی که با دفاع از مالکیت خصوصی، نظم طبقاتی، قدرت نظامی و سیاست خارجی سلطه‌گرانه، همراه با تصویرسازی از هر بدیل ساختاری به‌عنوان تهدیدی افراطی و غیرعقلانی، راه را برای هر گونه جنون سرمایه‌دارانه باز می‌گذارد. مقاله با تمام تقلایی که داشته، قادر به توضیح این مساله نیست که چرا چنین گرایشی، پس از دهه‌ها حاشیه‌نشینی، به نیرویی قابل مشاهده در سیاست آمریکا تبدیل شده است. سازمان سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا، که نویسنده آن را تا چندی پیش، نیرویی بی‌اهمیت می‌خوانده، اکنون بیش از ۱۲۰ هزار عضو دارد و نامزدهای مورد حمایت آن در انتخابات مقدماتی ایالت‌های گوناگون پیروز شده‌اند. این موفقیت از محافل روشن‌فکری شهرهای ساحلی فراتر رفته و به ایالت‌هایی مانند میشیگان، آریزونا، جورجیا، کارولینای شمالی و یوتا نیز رسیده است. بنابراین، سخن از یک هیجان زودگذر یا شورش محدود دانشجویان ناراضی، توجیه قانع‌کننده‌ی نیست.

نویسنده ناخواسته علت اصلی این تغییر را نیز بیان می‌کند. شمار زیادی از جوانان تحصیل کرده، با وجود برخورداری از مدارک دانشگاهی، به دست‌مزدهای پایین، هزینه‌ی سنگین مسکن، تورم پایدار و آینده‌ای آمیخته با سقوط اجتماعی محکوم شده‌اند. هوش مصنوعی نیز در حال حذف بسیاری از مشاغل ابتدایی است که پیش‌تر مسیر ورود فارغ‌التحصیلان به بازار کار محسوب می‌شد. نسل جوان در حال دریافتن این است که آموزش عالی دیگر ضمانتی برای امنیت شغلی و رفاه اجتماعی نیست. وعده‌ی مرکزی سرمایه‌داری آمریکایی، یعنی این که تحصیل، کوشش فردی و رقابت آزاد سرانجام به رفاه منتهی می‌شود، برای بخش بزرگی از جامعه اعتبار خود را از دست داده است. در آشفته‌بازاری این چنینی، گرایش به سیاست‌هایی که مالکیت، توزیع ثروت، اجاره، دست‌مزد و قدرت شرکت‌ها را زیر سوال می‌برند، امری نامنتظره نیست.

دیلی میل می‌کوشد این وضعیت را از بحران سرمایه‌داری تفکیک کرده و به عنوان بحران روانی طبقه‌ی متوسط تحصیل کرده معرفی کند. بنا بر روایت آن روزنامه، جوانان از خانواده‌های نسبتا مرفه آمده‌اند؛ اما چون موقعیت اقتصادی مطلوبی به دست نیاورده‌اند، به سیاست رادیکال پناه برده‌اند. این تفسیر، رابطه‌ی میان تجربه‌ی فردی آنان و دگرگونی

1. Neil, A. (2026, August 1). If you want to know why socialism is on the march in America, look at the medieval kleptocracy that is the First Family. Daily Mail, p. 21.

«ترامپ دستور حملات تازه به ایران را صادر کرد» در

صفحه‌ی ۸؛ دونالد ترامپ با تصویب طرحی تازه برای حمله به ایران، بار دیگر استفاده از نیروی نظامی را به عنوان وسیله‌ای برای واداشتن تهران به پذیرش خواسته‌های واشنگتن در دستور کار قرار داده است. به گفته‌ی مقام‌های آمریکایی، اجرای این حمله ممکن است از آخر هفته آغاز شود. پیش‌رفت ناگهانی در مذاکرات می‌تواند موجب توقف آن شود و خود ترامپ نیز ممکن است تصمیمش را تغییر دهد. رییس جمهور آمریکا در نشست تلویزیونی کابینه در کمپ دیوید گفت حملات سنگینی را از سر خواهد گرفت و پیش‌بینی کرد ادامه‌ی فشار نظامی، سران ایران را به این نتیجه خواهد رساند که توان تحمل حملات بیشتر را ندارند. این موضع پس از دوره‌ای مطرح شد که ترامپ از جریان داشتن مذاکراتی دوستانه و امکان حفظ آتش‌بس سخن می‌گفت. گزارش روزنامه می‌گوید حمله‌ی غافل‌گیرانه‌ی ایران به نیروهای مستقر در اردن، واکنش نظامی آمریکا در روز چهارشنبه را در پی داشت و فضای دیپلماتیک را بیش از پیش تیره کرد. مقام‌های ایرانی نیز بر نبود اعتماد میان دو کشور تاکید کرده‌اند و معتقدند تهدیدهای نظامی بی‌درپی، امکان دستیابی به توافق را کاهش خواهد داد. سپاه پاسداران پس از حملات تلافی‌جویانه‌ی آمریکا اعلام کرد حملات خود را از سر خواهد گرفت. جنگ ایران اکنون وارد ششمین ماه شده و دو خواسته‌ی اصلی واشنگتن، یعنی کنار گذاشتن برنامه‌ی هسته‌ای ایران و پایان دادن به کنترل تهران بر تنگه‌ی هرمز، همچنان از سوی ایران رد شده است. یکی از گزینه‌های بررسی شده در دولت آمریکا، اجرای عملیات هوایی فشرده‌ای دوهفته‌ای برای کاهش توان موشکی ایران بوده است. با این حال، مشاوران نظامی ترامپ درباره‌ی کاهش ذخایر مهمات و مخاطرات عملیاتی چنین کارزاری هشدار داده‌اند. بنابراین، تصمیم جدید در اوضاعی اتخاذ شده که مسیر مذاکرات شکننده باقی مانده و هم‌زمان، توان ادامه‌ی عملیات گسترده با محدودیت‌های نظامی روبه‌روست.

«در آشوب جنگ، غول‌های نفتی سودی عظیم به دست آوردند» در صفحه‌های ۱۸ و ۸؛ جنگ ایران و بسته

ماندن طولانی‌مدت تنگه‌ی هرمز، جریان عرضه‌ی انرژی را مختل کرده و هم‌زمان، سود شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکا را به بالاترین سطوح چند سال اخیر رسانده است. سود اکسون‌موبیل نسبت به سال پیش، بیش از دو برابر شده و به ۱۴/۵ میلیارد دلار رسیده که بالاترین رقم برای این شرکت از زمان بحران انرژی پس از آغاز جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ بوده است. شوروون نیز سودی معادل ۱۲/۱ میلیارد دلار گزارش کرده که نزدیک به پنج برابر دوره‌ی مشابه سال قبل و بالاترین سود فصلی ثبت شده‌ی این شرکت بوده است. کاهش عبور نفت و فرآورده‌های انرژی از تنگه‌ی هرمز، موجب شده قیمت نفت آمریکا در بخشی از فصل تا ۱۱۲/۹۵ دلار برای هر بشکه بالا رود و قیمت بنزین به بیش‌ترین سطح چهار سال گذشته برسد. اکسون اعلام کرد که با وجود از دست دادن موقت حدود ده درصد از تولید بالادستی خود، افزایش تولید در دیگر مناطق و فعالیت حدود ۲۴ پالایشگاه از تگزاس تا سنگاپور، عمل‌کرد مالی شرکت را تقویت کرده است. حملات موشکی ایران در ماه مارس نیز به بخشی از تاسیسات گاز طبیعی قطر که اکسون در آن سهم داشت، آسیب رسانده بود. در عین حال، کمبود ظرفیت پالایش جهانی و محدودیت صادرات برخی فرآورده‌ها از روسیه و چین، سبب شد حاشیه‌ی سود تولید بنزین، گازوئیل و سوخت هواپیما به سطحی بی‌سابقه برسد. درآمد بخش پالایش اکسون از حدود ۱/۴ میلیارد دلار در سال قبل به نزدیک ۵/۵ میلیارد دلار افزایش یافت. تولید نفت و گاز این شرکت، بدون محاسبه‌ی تولید مختل شده در خاورمیانه، به بالاترین میزان دو دهه رسید و تولید آن در حوزه‌ی پرمیان به رکورد روزانه‌ی ۱/۸ میلیون بشکه رسید. تولید نفت و گاز شوروون در آمریکا نیز با کمک دارایی‌های خریداری‌شده از هس و افزایش فعالیت در پرمیان به رکورد روزانه‌ی ۲/۱ میلیون بشکه رسید. اکسون در این فصل ۹/۴ میلیارد دلار و شوروون ۶/۶ میلیارد دلار را از طریق سود سهام و بازخرید سهام به سرمایه‌گذاران بازگرداندند.

«سرمایه‌گذاران فعلا از افزایش قیمت‌ها استقبال می‌کنند»

در صفحه‌های ۱۸ و ۸؛ ادامه‌ی بسته ماندن تنگه‌ی هرمز، آثار جنگ ایران را از بازار نفت و پمپ‌بنزین‌ها به طیف گسترده‌ای از کالاهای مصرفی در آمریکا منتقل کرده است. شرکت‌های تولید کننده‌ی مواد غذایی، نوشیدنی، رنگ، محصولات بهداشتی و بسته‌بندی، اعلام کرده‌اند برای

1. The Wall Street Journal. (2026, August 1–2). The Wall Street Journal Weekend (U.S. ed., Vol. 288, No. 27).

سردبیر: محمدرضا کریمی

راه‌های ارتباط با روزنامه:

سایت: <https://www.ruzname.org>

تلگرام: https://t.me/RUZNAME_4

اینستاگرام: https://www.instagram.com/ruzname_4

ایمیل: RUZNAME2@gmail.com

روزنامه

یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۵؛ ۲ آگوست ۲۰۲۶؛ شماره ۴/۶